



## حمام‌های عمومی به مثابه «حوزه عمومی» در ایران عهد قاجار حسن خدادی؛ جواد جمالی؛ جهان رزقی شیرسوار<sup>۳</sup>

۳۰

### چکیده

حوزه عمومی، مکانی برای گفت‌وگو و نقد قدرت است که نخستین بار توسط یورگن هابرماس، به صورت تئوریک مطرح گردید. از دیدگاه وی پیشینه این موضوع در غرب، به سالن‌ها، قهوه‌خانه‌ها و مکان‌های عمومی برمی‌گردد. این موضوع در ایران معاصر نیز به مانند غرب دارای یک پیشینه تاریخی است. به گونه‌ای که این مکان‌ها و علی‌الخصوص، قهوه‌خانه‌ها، در ایران عهد قاجار، همواره به مثابه حوزه‌ای برای نقد قدرت و شکل‌گیری و تداوم جنبش مشروطه‌خواهی مطرح بوده است. در کنار قهوه‌خانه‌ها، یکی از مکان‌هایی که به مثابه یک حوزه عمومی در ایران این دوره (عهد قاجار) مطرح بوده و عمدتاً از سوی پژوهشگران نادیده گرفته شده است، حمام‌های عمومی است. این پژوهش با در نظر گرفتن موضوع فوق درصدد است تا به این پرسش پاسخ دهد، که حمام‌های عمومی چگونه به مثابه یک «حوزه عمومی» در ایران دوره قاجار نقش‌آفرینی می‌نمودند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از این است که حمام‌های عمومی در ایران عهد قاجار، برای تطهیر و نظافت، عملکردی به مثابه یک نهاد اجتماعی و به صورت یک حوزه عمومی بودند که بسیاری از اخبار و اطلاعات در آن ردوبدل و مورد کنکاش و نقد و گفت‌وگو قرار می‌گرفت. روش تحقیق در این پژوهش نیز، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها عمدتاً از مقالات و کتبی که من‌باب این موضوع نوشته شده‌اند، تهیه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** حمام عمومی، قاجار، حوزه عمومی، نقد و گفت‌وگو، ایران.

دوره ۸، شماره ۳، پیاپی ۳۰

پاییز ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۲/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۵/۰۵

صص: ۱۰۶-۸۹

شابا چاپ: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



h.khodadi@umz.ac.ir

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازنداران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

## مقدمه

حوزه عمومی اعرصه‌ای است که در آن می‌توان مسائل و موضوعات مورد علاقه عمومی را مورد بحث قرار داد. این موضوع مربوط به مفهوم خاص و محدود به موضوع ویژه‌ای نیست، بلکه انواع متنوعی از حوزه عمومی سیاسی، حوزه عمومی اجتماعی و حوزه عمومی ادبی و یا فرهنگی را شامل می‌شود. به‌زعم هابرماس (یکی از نظریه‌پردازان برجسته این حوزه)، حوزه عمومی اعرصه‌ای است که امکان دسترسی همگانی به آن وجود داشته باشد تا افراد بتوانند از طریق مکالمه و گفت‌وگو در کنار هم جمع شوند و یک اجتماع عمومی را تشکیل دهند. حوزه عمومی به حسب تاریخی بودنش هم در طی ادوار تغییرات را به خود می‌پذیرد و هم محل تحقق تاریخ می‌شود. یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند به‌عنوان حوزه عمومی سنتی به لحاظ تاریخی، در ایران مورد بررسی قرار گیرد، «حمام» یا «گرمابه» همگانی است. حمام به‌عنوان یکی از گونه‌های تأسیسات عمومی در شهرها، از جمله عناصر و نشانه‌های بافت کهن شهری می‌باشند که از زمان قاجار، به‌ویژه از انقلاب مشروطه و سال‌های منتهی به آن به دلیل افزایش آگاهی‌های عمومی، رشد قابل توجهی یافتند. این مکان عمومی و رای تطهیر و پاکیزگی، در کنار رشد قابل توجه آن در این دوره (قاجار) کارکرد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز یافتند.

حمام‌های عمومی در ایران که در گوشه و کنار شهرهای به چشم می‌آیند، چیزی فراتر از جای شست‌وشو بودند و می‌توان برایشان کارکردهای اجتماعی و ارتباطی زیادی را در نظر گرفت. حمام‌ها جایگاه ارتباطات درون محله‌ای و موجب همبستگی مردمان محلات با یکدیگر بودند؛ حمام‌هایی که در جنب بازار وجود داشتند - با توجه به جایگاه بی‌بدیل بازار از نظر ارتباطی - فراتر از حمام‌های محلی بودند و دایره ارتباطی‌شان در سطح یک شهر تعریف می‌شد. حمام‌هایی که در نقاط مسافرپذیر واقع شده بودند (مثلاً نزدیک دروازه‌ها) از این هم فراتر می‌رفتند و اطلاعات شهرها و روستاهای دور و نزدیک درونشان مبادله می‌شد. این سازه‌های مهم و رای تطهیر و نظافت، عملکردی به‌مثابه نهاد اجتماعی داشتند و بسیاری از اخبار و اطلاعات در آنجا ردوبدل و مورد کنکاش و گفت‌وگو قرار می‌گرفت.

باوجود اهمیت این مکان‌های عمومی به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در این دوره، هرچند در مقالات و متون متعدد، از آن به‌صورت تلویحی به‌عنوان حوزه عمومی سنتی در ایران اشاره شده است، اما تاکنون پژوهشی صورت نپذیرفته است تا به‌صورت مستقل جایگاه و کارکرد آن را به‌مثابه

### 1. Public Sphere

حوزه عمومی در عهد قاجار و یا قبل و بعدازآن مورد بررسی قرار دهد. این مسئله برای ایران امروز که دچار تحولاتی شدید و تا حدودی غیرقابل پیش‌بینی در حوزه عمومی می‌شود بسیار ضروری است. بنابراین بررسی این نهاد به‌مثابه یک حوزه عمومی که در آن بحث و گفت‌وگو عمدتاً به‌صورت آزادانه رواج داشت، می‌تواند ما را در درک نانوشته‌های تاریخ اجتماعی و شناخت بهتر جوامع گذشته یاری رساند.

## ۲. سوال پژوهش

این پژوهش با در نظر گرفتن موضوع فوق درصدد است تا به این سوال پاسخ دهد، که حمام‌های عمومی چگونه به‌مثابه یک «حوزه عمومی» در ایران دوره قاجار نقش‌آفرینی می‌نمودند؟

## ۳. پیشینه پژوهش

مقالات بسیاری درباره ابعاد مختلف حمام در ایران؛ یعنی تاریخچه، طب و بهداشت، معماری و کارکردهای آن و مسائل دیگر به نگارش درآمده است ولی هیچ پژوهشی از دریچه نظریه «حوزه عمومی» به حمام و جایگاه و تأثیرگذاری آن پرداخته است، خلأیی که نوشتار حاضر به دنبال برطرف کردن آن است. لذا در ادامه به مهم‌ترین آثار در این حوزه به‌عنوان پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود: الویری و نظری مقدم در مقاله خود با عنوان «نقش ارتباطات سنتی در جنبش‌های سیاسی اجتماعی شیعه» (۱۳۹۱)، می‌کوشند با توجه به منابع و مآخذ حوزه فرهنگ و ارتباطات، ضمن پرداختن به چگونگی نقش‌آفرینی و جایگاه ظرفیت‌های ارتباطات سنتی تاریخ اجتماعی شیعه در جنبش مشروطه، به عرضه تصویری روشن از حضور و نقش کاربردی رسانه‌های سنتی شیعه در حوزه‌های اجتماعی بپردازند. آن‌ها معتقدند که با توجه به تأثیر علمای شیعه و مسجد و منبر و بازار و قهوه‌خانه و مراسم جمعی سنتی مذهبی و دیگر ظرفیت‌های جامعه شیعی ایران، می‌توان به اهمیت واکاوی و بازتعریف مفهوم ارتباطات سنتی در حوزه فرهنگ و ارتباطات اسلامی پی برد و دریافت که ارتباطات سنتی، عمیق‌ترین و ساده‌ترین نوع ارتباطات، نقش بی‌بدیلی در فرهنگ شفاهی ایران اسلامی و تحولات اجتماعی سیاسی شیعه دارد.

مقاله «حمام و استحمام در فرهنگ ایرانی» به‌خامه سجادی (۱۳۸۲)؛ به‌منظور بررسی پیشینه و تاریخچه حمام و استحمام، در فرهنگ ایرانی و به شیوه سند کاوی نوشته شده است. نویسنده، پس

از بررسی روایات مربوط به پیدایش و ساخت حمام در اساطیر ملت‌ها، جنبه‌های گوناگون حمام و استحمام در شریعت اسلام را بررسی نموده، و به بایدها و نبایدهای مربوط به حمام بر اساس متون اسلامی پرداخته است. سجادی در ادامه وظیفه محتسب را در قبال حمام یادآور شده است و در ادامه به معرفی بخورها و عطریات مربوط به حمام پرداخته است. در مقاله مذکور همچنین به افسانه‌های مربوط به حمام و جن و دلایل این افسانه‌پردازی‌ها اشاره می‌شود.

مقاله «بازشناسی جایگاه تاریخ و فرهنگ عامه در حمام‌های سنتی ایران» نوشته قاسمی و همکاران (۱۳۹۷)؛ در پژوهش خود با هدف شناختن جایگاه حمام در زندگی مردم، تلاش کردند تا بدین پرسش اساسی پاسخ داده شود که؛ حمام در بافت تاریخی - اجتماعی قدیم ایران، چه جایگاهی داشته است؟ لذا در این پژوهش در دو بخش اصلی: ویژگی‌های حمام به‌عنوان یک سازه معماری، و فرهنگ حمام و آداب رایج در آن، بدین مسئله پرداخته شده است. نتیجه این بررسی ضمن این‌که نشان از اهمیت حمام در بافت شهری قدیم ایران دارد، نشان از گسترش باورها و آداب خاصی نیز دارد که نه‌تنها در معماری فضای حمام، بلکه در رفتار و منش مردم در این مکان نیز قابل مشاهده است.

مسئله پژوهش در نوشتار ملایی توانی و غلامپور با عنوان «حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه» (۱۳۹۳)؛ بررسی جلوه‌ها، کارکردهای متنوع و ابعاد مختلف فرهنگ استحمام ایرانیان در دوره قاجار است تا به این پرسش پاسخ دهد؛ که استحمام ایرانیان آن عصر از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده است؟ در پاسخ، نویسندگان این مدعا را طرح می‌کنند که فرهنگ استحمام ایرانیان در آن عهد، علاوه بر کارکرد بهداشتی، ابعاد و نقش‌های چندگانه دیگری در چهار حوزه بهداشتی - سلامتی، دینی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی داشت که برآمده از باورهای هویت‌بخش و طرز معیشت بومی ایرانی - اسلامی است.

مقاله «حمام و کارکردهای اجتماعی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران» به‌خامه شعبانی و جباره (۱۳۹۳)؛ در پی پاسخ به این پرسش اساسی بوده است که حمام در قرون میانه تاریخ ایران چه کارکردهای اجتماعی داشته است. یافته‌های پژوهش نیز حکایت از آن دارد که حمام در این دوره، با توجه به موقعیت ممتاز جغرافیایی در بافت شهرها و روستاها و در نتیجه به‌عنوان کانون تجمع مردم، یکی از مراکز اصلی تعاملات اجتماعی در ابعاد و زمینه‌های اطلاع‌رسانی عمومی، وسیله سرشماری عمومی، محل مناظرات و مباحثات فعالیت درمانی و حتی معیار سنجش تشخیص اجتماعی بود.

باصولی در مقاله خود «نگاه منظرین به حمام عمومی، عناصر و کارکردهای آن» (۱۳۹۷)؛ معتقد است که در ایران، حمام عمومی از جمله فضاهای مهم در ساختار شهر محسوب می‌شد. لذا این فضا در دهه‌های اخیر نقشی مهم در فضای فرهنگی اجتماعی ایران ایفا کرده است؛ مکانی با خصوصیات معماری منحصر به فرد که کارکردهای متفاوتی را در زندگی ایرانیان داشته است. به گونه‌ای که در بررسی آن نمی‌توان صرفاً به فضای کالبدی فارغ از معنا و مفهوم آن فضاها نگاه کرد. حمام به عنوان یکی از عناصر شهر، علاوه بر کارکردهای طبیعی خود در بهداشت و نظافت، کارکردهای متفاوتی در ساختار جامعه و نقش مهمی در ارتباطات اجتماعی داشته است. نویسنده در مقاله خود، به اجزای مختلف حمام و کارکردهای اجتماعی آن پرداخته است و سعی کرده برخی دیگر از دلایل رونق حمام در ایران را مورد بررسی قرار دهد.

#### ۴. چارچوب مفهومی و نظری؛ «حوزه عمومی»

حوزه عمومی نه نهاد است و نه سازمان، حتی چارچوبی از هنجارها یا قابلیت‌ها و نقش‌های تفکیک‌شده تنظیمات عضویت و از این قبیل نیست، بلکه حوزه عمومی می‌تواند به عنوان شبکه‌ای از ارتباط اطلاعات و نقطه نظرانی از قبیل بیان افکار و نگرش‌های سلبی یا ایجابی تعریف شود (Calhoun et al, 2007: 304). در واقع حوزه عمومی، مفهومی است که به فضاها و فرایندهای ارتباطات اجتماعی آزاد، به لحاظ سیاسی مناسب، و در عین حال مستقل دلالت می‌کند (کوهن، ۱۳۸۳: ۴۵). حوزه عمومی را عرصه قلمرویی از حیات اجتماعی دانسته‌اند که در آن می‌توان مسائل و موضوعات مورد علاقه عمومی را به بحث و بررسی گذاشت. عرصه‌ای که در آن می‌توان اختلاف نظرات و تضارب آرا و افکار را از طریق بحث منطقی و نه از طریق توسل به جزمیات جافتاده و یا با توسل به احکام و جزمیات سنتی صادره از سوی عرف و عادات حل نمود. هابرماس ریشه‌های تاریخی و مکانی ظهور حوزه عمومی را درون سالن‌ها و مجامع عمومی بحث‌های آزاد و علنی قرن هجدهم جستجو و پیگیری می‌کند: باشگاه‌ها، کافه‌ها، روزنامه‌ها و مطبوعات که در واقع طلایه‌دار و پیشگام روشننگری ادبی و سیاسی اروپا به شمار می‌رفتند. در این مجامع و مراکز مناقشه‌های متعدد درباره نقش سنت صورت می‌گرفت و در همین مراکز بود که شالوده نخستین معارضه و رویارویی با اقتدار فتودالی پایه‌ریزی شد (نوذری، ۱۳۸۹: ۴-۴۳۳).

هابرماس در ترکیبی از تحلیل تاریخی و بازرسی تئوریک مدعی شد، حوزه عمومی که در نخستین جوامع دموکراتیک قرن ۱۸ اروپا ظهور کرد، تجسم ایدئال هنجاری بنیادین عقل به‌منابه گفتگوی انتقادی و توافق بین‌الذهانی بود. حوزه عمومی متشکل از دسته‌ای از گفتمان‌های از لحاظ تشکیلاتی نامحدود است که از دولت و جامعه متمایزند و در آن شهروندان می‌توانند کنش‌های دولت و بازار را از طریق فرآیند شکل‌گیری اراده جمعی، تحت هدایت بحث آزادانه و انتقادی بر سر موضوعات جمعی، جهت بدهند. از نظر هابرماس در حوزه عمومی افراد برای منافع تعمیم‌پذیرشان با همدیگر گفتگو می‌کنند. وی در تفسیری عملیاتی از حوزه عمومی می‌نویسد: «منظور ما از حوزه عمومی قبل از هر چیزی آن قلمرو زندگی اجتماعی است که در آن چیزی نزدیک به افکار عمومی بتواند شکل گیرد. شهروندان هنگامی که به شیوه‌ای خالی از قیدوبند- یعنی تضمین آزادی تجمع و همکاری و آزادی بیان و نشر افکار آن‌ها- در مورد مسائل مورد توجه عموم تبادل نظر نمایند، همچون یک پیکره عمومی رفتار می‌کنند. عبارت افکار عمومی به وظایف نقد و کنترلی اشاره دارد که پیکره عمومی شهروندان به‌طور غیررسمی در برابر طبقه حاکم انجام می‌دهد» (Habermas, 1974: 49).

طبق تعریفی که «هابرماس» از حوزه عمومی ارائه می‌دهد؛ حوزه عمومی در واقع عرصه‌ای است که در آن بحث و گفتگو و استدلال منطقی برای رسیدن به یک تفاهم و توافق ارتباطی و اخلاقی انجام می‌شود. حوزه‌ای که فارغ از ساختارهای قدرت و ثروت عمل می‌کند. حوزه‌ای که در آن معیار برنده شدن عقل و منطق است؛ نه قدرت و ثروت و امتیازهای دیگر. هابرماس این حوزه را قلمروی می‌داند بین دولت و حیطه خصوصی که سرآغاز شکل‌گیری‌اش نیز به قهوه‌خانه‌ها و سالن‌ها در بریتانیا و بعدها در فرانسه و با تأخیری قابل توجه در آلمان می‌رسد که در آن در خصوص مسائل مهم و عمومی جامعه بحث و گفتگو می‌شد و در واقع ویژگی مهم چنین حیطه‌ای آن بوده که افراد خصوصی گرد هم جمع شده و در خصوص علایق عمومی به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند.

حوزه عمومی مفهومی خاص و محدود به موضوعی ویژه نیست. بلکه به اعتقاد هابرماس می‌توان به انواع متنوعی از حوزه‌های عمومی اشاره کرد که از جمله آن‌ها حوزه عمومی سیاسی، حوزه عمومی اقتصادی، حوزه عمومی اجتماعی، حوزه عمومی ادبی یا فرهنگی است (Habermas, 1974: 49). در واقع هابرماس معتقد است که افراد نمی‌توانند از زیست جهانی که با آن اجتماعی شده‌اند،

خارج شده و خارج از آن فکر کنند؛ زیرا زیست جهان، حدود افق عمل و آگاهی اجتماعی را تعیین می‌کند. تفاوت جامعه مدرن با جامعه سنتی در این واقعیت نهفته است که عنصر نقد و ارزیابی انتقادی در جامعه مدرن امری فراگیر است و موجب تحول زیست جهان سنتی به مدرن می‌شود. در واقع نظام معرفتی انسان‌ها، در طی سالیان دراز و تحت تأثیر تاریخ، فلسفه و شرایط اجتماعی به‌عنوان عناصر تشکیل‌دهنده زیست جهان، شکل می‌گیرد و این چنین برمی‌آید که نظام معرفتی و ذخایر فرهنگی انسان‌ها در هر جامعه‌ای، ویژگی‌های انحصاری همان جامعه را منعکس می‌کند (هابرماس، ۱۳۸۱: ۲۲۴). هابرماس حوزه عمومی را قبل از هر چیز قلمرویی از حیات اجتماعی می‌داند که در آن چیزی نظیر افکار عمومی بتواند شکل بگیرد. وی انتظار دارد تمامی شهروندان بتوانند از امکان دسترسی به حوزه عمومی برخوردار باشند؛ «در جریان هر مکالمه یا گفتگو که آن اشخاص خصوصی در کنار هم جمع می‌شوند تا یک (اجتماع) عموم<sup>۱</sup> را تشکیل دهند، در حقیقت بخشی از حوزه عمومی تشکیل یا ایجاد می‌گردد و این امر زمانی امکان‌پذیر است که تضمین‌های لازم برای گرد هم آمدن و اجتماع آن‌ها فراهم باشد و آزادانه بتوانند به یکدیگر بیوندند و آزادانه افکار خود را بیان و تبلیغ نمایند» (نوذری، ۱۳۸۹: ۳۴۳). از دیدگاه وی پیامد این امر شکل‌گیری مفهوم زیست جهان است.

به اعتقاد هابرماس، «زیست‌جهان» عبارت است از عرصه، مکان یا محل شناخت یا دانش اخلاقی- عملی یا همان مناسبات معنایی مشترک میان خانواده و محل کار (حوزه خصوصی) و مناسبات معنایی مشترک میان کنش‌های سیاسی و افکار (حوزه عمومی). از دیدگاه وی، زیست جهان لایه‌ای است که عمل ارتباطی در آن جایگیر شده و به‌عنوان افقی است که عمل ارتباطی در آن حرکت می‌کند. زیست جهان مجموعه‌ای از اعتقادات مشترک زمینه‌ای درباره جهان، جامعه و غیره است که اعضای جامعه آن را مسلم می‌دانند. مجموعه‌ای از تفسیرها و تأویل‌های پذیرفته‌شده که فرآیندهای رسیدن به توافق و تفاهم را که اجزای تشکیل‌دهنده عمل ارتباطی هستند تسهیل می‌کند و شکل می‌دهد.

به‌زعم وی، زیست جهان را نمی‌توان به تفاسیر فرهنگی محدود ساخت بلکه باید به شکلی که به‌صورت سمبلیک قابل فهم باشد، سطح نهاده‌ای اجتماعی و ساختارهای شخصیتی را هم در آن گنجانند. از این‌رو زیست جهان، فرآیند متحولی است که در آن هر جنبه فرهنگ، جامعه و شخصیت در گفتگویی مداوم و متقابل قرار دارند و به همین‌سان سه وظیفه بازتولید فرهنگی، تولید همبستگی

1. Public
2. World Life

اجتماعی و وفاق اجتماعی مشترکاً و بدون تفکیک درهم‌تنیده شده‌اند. بر این مبنا در اندیشه هابرماس ساختار اساسی عقلانیت ارتباطی به‌گونه‌ای است که در آن بازیگران و گروه‌های مختلف می‌توانند انواع عقل و در نتیجه انواعی از گفتگو را تشخیص داده و با زیست جهان خود «تجربه» و «مطابق» کنند.

### ۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، نظری و توسعه‌ای و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. این روش تلاش دارد با بهره‌گیری از کلمات برای انتقال تصویر ذهنی مسئله اصلی، شرحی از زاویه نگاه وصف‌کننده ارائه دهد (استراوس و کربین، ۱۳۹۴: ۳۷)؛ تا از مواد خام و آگاهی‌های موجود، تحلیل و تفسیری منطبق بر امر واقع انجام شود (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۲۲۶). تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی است؛ یعنی از منابع کتابخانه‌ای، مجلات و مقالات معتبر تخصصی استفاده می‌شود.

### ۶. یافته‌های پژوهش

#### ۶-۱. حوزه عمومی سنتی و مدرن

مراکز و نهادهای ارتباطات سنتی که در واقع به تعبیر می‌توان آن را حوزه عمومی سنتی نامید متعدد و متنوع‌اند. تا قبل از پیدایش وسایل ارتباطی نوین و خصوصاً پیش از روی کار آمدن رادیو و تلویزیون، اینترنت و فضای مجازی که آن‌ها را می‌توان وسایل ارتباطی نوین و یا به تعبیری حوزه عمومی مدرن نامید، پرتعدادتر و در برخی زمینه‌ها کارآمدتر بودند. عمده‌ترین مراکز ارتباطات سنتی عبارتند از: مساجد، تکایا و حسینیه‌ها، مجالس روضه خوانی و وعظ و خطابه، حوزه‌های علمیه، بازارها، قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها، عتبات متبرکه، حمام‌های عمومی، میدان‌گاه‌ها و بازارچه‌های محلی، کاروان‌سراها و نیز شب‌نشینی‌ها و دیدوبازدیدهای دوره‌ای بین افراد خانواده، دوستان یا اهالی یک محل یا منطقه. هر یک از این مراکز ارتباطات سنتی خود یکی از نهادهای جامعه مدنی به حساب می‌آید که در زمانی که این نوع جامعه مدنی در غرب شکل نگرفته بود در ایران با قدرت عمل می‌کرد و نقش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را به‌خوبی در تنظیم روابط گوناگون میان مردم و نیز بین مردم و حکومت ایفا می‌نمود. شاید بتوان مراکز ارتباطات سنتی را علی‌رغم وجود وجوه مشترک و

علاقی مشابهی که دارند از حیث پایگاه اجتماعی به دو بخش «مذهبی» و «غیرمذهبی» تقسیم کرد. بخش مذهبی شامل حوزه‌های علمیه، مساجد و تکایا، منابر، مجالس و عظ و خطابه، عتبات و تا حدودی بازارهای سنتی است و بخش غیرمذهبی - و نه ضدمذهبی - نیز شامل قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها، حمام‌ها، بازارچه‌ها، میدان‌گاه‌ها و امثال آن خواهد بود.

### ۶-۲. پیشینه حمام عمومی در ایران

حمام و استحمام خصوصی در سطح طبقات بالا از پیش از اسلام در ایران رایج و با ایدئولوژی «پاک گرایی» دین زرتشت هماهنگ است هرچند رابطه‌ای متناقض نیز ایجاد می‌کرده زیرا «آب» نباید آلوده می‌شده است. از این رو ظاهراً نمی‌توان موقعیت حمام‌های ایران باستان با تمدن‌های هم‌دوره با آن در یونان و سپس رم مقایسه کرد. آنچه مسلم است اینکه این رابطه با ورود اسلام به ایران و تغییر رابطه با آب به مثابه یک ابزار برای «نظافت» یا «پاکی» بدن که خود با «جاری شدن» می‌توانسته هم پاک کند و هم پاک بماند، تغییر کرد، زیرا در بسیاری موارد برای مثال در غسل‌ها، استحمام به بک امر واجب بدل می‌شد.

بنابراین «ضرورت آئین طهارت مؤمنان و اجرای کامل قوانین بهداشت و لزوم تفریحات اجتماعی» سبب ازدیاد گرمابه‌های همگانی شد. از این روی این حمام‌ها، جزئی از اجزای وجودی شهرها در قلمرو ممالک اسلامی شدند (مناظر احسن، ۱۳۸۰-۲۳۵:۲۳۳). از سوی دیگر «حمام‌های عمومی در طول دوران اسلامی، جدای از نقش نظافت و پاکیزگی؛ نهادی اجتماعی به حساب می‌آمد که بسیاری از هنجارها و رفتارهای مورد قبول اجتماع در آن رخ می‌داد» (Arvigo & Epstein, 2003:610). ایرانیان هم به‌عنوان جزئی از این قلمرو بزرگ و با توجه به سوابق تمدنی خود، جایگاه ویژه‌ای برای گرمابه در زندگی روزمره خویش در نظر گرفتند، این امر به‌ویژه در زمان زمامداری صوفیان و رسمیت یافتن آئین تشیع نمود ویژه‌ای یافت و در سال‌های پایانی این حکومت، دیناران شیعه‌ای چون ملا محمدباقر مجلسی، با نقل احادیث و روایت‌های متعدد، رفتن به گرمابه را به‌صورت یک وظیفه همگانی درآوردند (مجلسی، ۱۳۷۳:۱۲۶).

بعد از این دوره، حمام در دوره قاجار به‌سرعت در شهرها و روستاها گسترش می‌یابد، و به یکی از عناصر تقریباً همیشه حاضر در معماری این زیستگاه‌ها تبدیل می‌شود. به‌گونه‌ای که در این دوران،

#### 1. Hygienist

«بسیاری از خیرین متمول که اقدام به احداث بناهای عام‌المنفعه می‌کردند، حمام عمومی نیز می‌ساختند که همه یا بخشی از درآمد آن، رقیه اوقاف ایشان بوده است» (بارتولد، ۱۳۵۰-۲۱۶:۲۱۸). فلور<sup>۱</sup> در مقاله «حمام» ایرانیکا با تکیه بر منابع گوناگون تعداد حمام‌های عمومی در ایران این دوره را در برخی از شهرهای ایران من جمله تهران به این صورت آورده: در تهران در فاصله ۱۲۶۹ تا ۱۳۲۰ (۱۸۵۲-۱۹۰۲)، تعداد حمام‌های عمومی از یک باب برای هر ۱۴۸ خانوار به یک باب برای هر ۸۹ خانوار می‌رسد (Floor, 1988: 863-865).

### ۶-۳. وضعیت عمومی استحمام در دوره قاجار

تا اواخر دوران قاجار هیچ‌گونه نشانه‌ای از تشکیلات منظم و قانونی برای مدیریت امر بهداشت و درمان سرتاسر کشور در دست نبود. مملکت آماج یورش‌های قحطی و بیماری‌های واگیردار به‌صورت اپیدمی بود. گسترش بیماری‌ها به دلیل وفور حشرات ناقل و نیز غذا و آب آشامیدنی غیربهداشتی تسهیل می‌شد. مسئله با نبود بهداشت فردی که خود به انتشار بیماری‌ها کمک می‌کرد بدتر می‌شد. به دلیل نبود آگاهی در مورد شرایط سلامت عمومی و الزامات مربوط در میان اولیای امور اجرایی، طبی و مذهبی و هم‌چنین وجود دیدگاه‌های سنتی در مورد علت بیماری در میان طبقه حرفه‌ای طب و خود مردم بیش از این هم انتظار نمی‌رفت.

اما مشکل از وقتی آغاز شد که سطح آگاهی جامعه به همراه میزان شهرنشینی بالا رفت و به همین نسبت دانش بهداشتی جامعه ارتقا یافت. در این شرایط، وضعیت حمام‌ها و آداب و رسوم مربوط به آن، با سلامت و بهداشت جامعه در اصطکاک قرار گرفت. طبیعی است صدای اعتراض آگاهان و دلسوزان جامعه بلند شود. یک نقطه از اعتراض‌ها مربوط به خزانه حمام‌ها و وضعیت غیربهداشتی آب آن‌ها بود. قرن‌ها حساسیت چندانی نسبت به غیربهداشتی بودن آب خزانه حمام وجود نداشت، اما دانش جدید پزشکی باعث شد به تدریج اعتراضاتی به آب خزانه حمام‌ها در میان صاحب‌نظران شکل بگیرد. در اواسط دوره قاجار، میرزا تقی‌خان حکیم‌باشی، که خود پزشک فارغ‌التحصیل دارالفنون بود، راجع به آب خزانه حمام‌ها مطالبی از دریچه بهداشت عمومی ارائه داد:

آب حمام‌های عمومی دارای هرگونه مواد مسریه و اجزای سمیه مرضی‌اند. زیرا که اشخاص مبتلا به سیفلیس و حرقة البول و آبله و تیفوس و اسکارلاتین و جرب و خراز و غیره، همه در یک

حوض تغسیل می‌کنند و سم همان امراض در آن آب ریخته و باقیمانده. اغلب آب آن حمام‌ها به نوعی کثیف و بدبو می‌شود که تغییر رنگ و عفونتش بسیار واضح و محسوس است. پس با استحمام در این گونه آب‌ها ممکن است که امراض مذکور سرایت نماید. (بی‌نام، ۱۳۹۸: ۲). حتی عده‌ای از مردم گمان می‌نمودند که آب خزینه خاصیت درمانی دارد، پس به صور گوناگون از آن استفاده می‌نمودند. مانند استنشاق، مضمضه کردن و غرغره کردن (شهری، ۱۳۷۰: ۴۸۲). در مورد امراض پوستی نیز این اعتقاد وجود داشت که رفتن در خزانه حمام عمومی، موجب التیام آن می‌شود. از اثر شفابخشی آب خزانه که بگذریم، نوعی اثر جادویی نیز برای آن متصور بودند به گونه‌ای که زن‌ها برای قاپیدن قطعه‌ای از آب یا لجن مقدس خزانه حمام از سرو کول هم بالا می‌رفتند: یک نفر مرد درحالی که پاهای خود را بالا زده است در یک طرف ایستاده و با قاشق بزرگی مثل اینکه حلوا از دیگ تقسیم می‌کند، مرتباً قاشق را در میان لجن‌ها زده و زنان هم درگرفتن آن بر دیگری سبقت کرده، درحالی که هریک پولی به آن مرد می‌دادند، لجن‌ها را در دست کرده و بر سروصورت خود می‌مالیدند (دانشور، ۱۳۲۶: ۱۵۰).

از سوی دیگر در نظر حمامی‌ها در تطبیق آب غیربهداشتی خزانه با اصول شریعت، بر «کر» بودن آن بوده است. حمامی‌ها آلودگی وارد شده به آب را موجبات نجاست آن نمی‌دانستند. (مجلسی، ۱۱۵-۱۲۲: ۱۳۷۳) برداشت عامیانه از احکام اسلامی در مورد آب کر این نتیجه را در برداشت که غوطه‌ور شدن در خزینه آلوده و کثیف را به غسل و شست‌وشو با دوش، با عنوان اینکه جنبه کر ندارد ترجیح دهند و با تأسیس حمام‌های دوش دار مخالفت نمایند. به همین دلیل بحث‌های متعددی در زمینه آگاهی بخشی مردم صورت پذیرفت. سرانجام فتوای مجتهدان و علمای روشن بین تا حدودی به این غائله خاتمه داد.<sup>۲</sup>

۱. بر اساس نظر اغلب مراجع، آب کر آبی است که «اگر در ظرفی که پهنای آن سه وجب و نیم است بریزند، آن ظرف را پرکنند» (توضیح المسائل).

۲. البته بعد از شهریور ۱۳۲۰ که هیئت دولت در ایران، فروریخته شد، وضعیت حمام‌های شهر، خیلی سریع به حال سابق بازگشت. حمامی‌ها دوش‌ها را جمع کرده و خزینه را به راه انداختند. بنگرید به روزنامه اخگر: ۲ آذر ۱۳۲۰ استاد جمشید مظاهری به یاد می‌آورد روزی در سال‌های ۱۳۳۷ شمسی ۱۹۵۸/ میلادی، وقتی در خیابان خواجه از مدرسه بازمی‌گشته است، جمعیت زیادی را دیده که آیت‌الله زند کرمانی پیشاپیش آن‌ها و در حال چاوش خوانی و گفتن تکبیر و راهپیمایی بوده‌اند. وقتی علت را می‌پرسند، می‌شنود، آیت‌الله در حال رفتن به حمام

## ۶-۴. جایگاه و کارکرد حمام به‌مثابه حوزه عمومی

بنا بر نظر «هابرماس»، حوزه عمومی ایده‌ای مشتق از توده‌ای از انسان‌ها است، که گرد هم می‌آیند تا موارد «علاقه عمومی» یا «منفعت جمعی» را به بحث بگذارند. حمام عمومی در ایران نیز از دیرباز یکی از مراکز مهم خبررسانی و خبرگیری ارتباطات گروهی و پاسخگویی به کنجکاوی‌ها بوده است. در بسیاری از اوقات پاکیزگی و شست‌وشو بهانه‌ای بوده است، بلکه دلیل اصلی مراجعه به حمام عمومی دیدارها و گفتگوها و بحث‌ها و پرسش‌ها و پاسخ‌ها بوده است.

ساخت و معماری حمام‌های قدیمی در آن دوره، برقراری ارتباطات چهره به چهره را تسهیل می‌کرد. صحن بیرونی حمام و فضای داخلی آن‌ها طوری طراحی شده بود که افراد در روی سکوها یا زمین می‌نشستند و ضمن شست‌وشوی از احوالات هم باخبر می‌شدند. که دلاک‌ها<sup>۱</sup> غالباً منبع خبرهای دست‌اول و مهمی برای مشتریان آشنا و ثابت بوده است. چراکه هر روز با افراد گوناگون به‌خصوص رجال و مشاهیر شهر، تجار و بازرگانان و حکیمان در تماس بوده‌اند که اخبار را با ذکر منبع اعلام می‌کردند.

حتی در معماری حمام نیز فضائی در بخش سربینه در نظر گرفته می‌شد که پاسخگوی نیاز مراجعان به معاشرت و روابط اجتماعی پس از استحمام بود. در این مکان بسته به تمکن مالی افراد و نوع حمام، لوازم مختلفی برای استراحت و پذیرائی و آرایش وجود داشت. با توجه به چنین کارکردی، توقف در سربینه پس از حمام، زمانی طولانی به خود اختصاص می‌داد و بخش دل‌چسب و مفرح حمام بود. (علی پور و ولی زاده، ۱۳۸۴: ۴۰۷)

---

شریف در محله خواجو است تا در زیر دوش غسل کرده تا نشان دهد چنین امری اشکال شرعی ندارد. بنگرید به مقاله: رجائی، عبدالمهدی، (۱۳۹۳)، «بهداشت حمام‌های عمومی در دوره معاصر و نقش شهرداری‌ها»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال سوم، شماره اول.

۱. مهم‌ترین کارگر حمام، که در گرم‌خانه خدمت می‌کرد، دلاک یا کیسه‌کش بود. تعداد دلاک‌ها بسته به شلوغی و بزرگی حمام بین یک تا سه تن بود و گاه برخی وظایف آنان را کس دیگری بر عهده می‌گرفت که در آن صورت کسانی چون فصّاد، حجّام و سلمانی نیز به خدمه حمام اضافه می‌شدند. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: تاج‌الدینی، حمید (۱۳۸۰)، «موزه مردم‌شناسی حمام گنجعلی‌خان»، موزه‌ها، ش ۶.

علاوه بر این، هریک از حمام‌های عمومی معتبر شهرها نیز قهوه‌خانه یا آبدارخانه‌ای داشت که آن را یک قهوه‌چی یا یک قلیاندار یا یک غلام قهوه‌چی می‌گرداندند و از مشتریان با چای و قلیان و چپق پذیرایی می‌کردند. نکته مهم در مورد قهوه‌خانه‌هایی که در این حمام‌ها وجود داشت این بود که بر اساس گزارش سفرنامه‌ها، قهوه‌خانه‌ها در حکم فضائی عمومی بود که در آن تمامی اقشار و طبقات مختلف حضور داشتند و می‌توانستند درباره مسائل عمومی جامعه با آزادی کامل گفت‌وگو نمایند: در اینجا هرکس صاحب‌خبر است و همه می‌توانند بی‌ترس و بیم درباره سیاست با آزادی صحبت کنند. در قهوه‌خانه‌ها مردم خود را به بازی‌های مجاز و سرگرم‌کننده نظیر شطرنج و نرد مشغول می‌دارند. افزون بر این‌ها ملایان، درویشان، شاعران نیز به‌نوبه خود در قهوه‌خانه‌ها میدان‌داری می‌کنند... فی‌الجمله دامنه آزادی در این مراکز اجتماع چندان گسترده است که همانند آن در هیچ نقطه دنیا وجود ندارد. هرکس هرچه دلش می‌خواهد می‌گوید و هرکس به سخن هرکه مایل است گوش فرا می‌دهد (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۴۴-۸۴۵).

درواقع حمام عمومی در گذشته، علاوه بر اینکه مکانی برای شست‌وشو و نیز تنها محلی در آبادی بود که نقش «پاتوق» برای مردم داشته است، برای دیدوبازدید، برای رتق‌وافتق مسائل اجتماعی، برای خریدوفروش و تصمیم‌گیری و همچنین درمان و معالجه، تدریس و تعلیم، خبرگیری و خبررسانی کارکرد داشته است. علاوه بر این کارکرد مذهبی نیز داشته است و احکام شرعی، به‌دقت رعایت می‌شده است، مانند غسل نمودن اشخاص، غضبی نبودن آب حمام، جدائی فضای پاک از ناپاک و تفکیک دقیق آب پاک از فاضلاب، آب کم ریختن و اسراف نکردن (سلیمانی و آقاجانی، ۱۳۹۲: ۱۶). حمام‌های عمومی تابع باورهای دینی مردم، پیش از طلوع آفتاب در نیمه‌های شب باز می‌شدند، درحالی‌که صاحبان سایر شغل‌ها در استراحت به سر می‌بردند. باز شدن حمام‌ها توسط حمامی‌ها، صرفاً با انگیزه دینی و ضرورت شرعی صورت می‌گرفت. چنین کارکردی دیگر فقیر و غنی نمی‌شناخت و فرقی میان نحوه استحمام طبقات مختلف اجتماعی نبود و تنها اعتقادات دینی افراد بود که حکم می‌راند و آن‌ها را حتی در نیمه‌های شب به حمام می‌کشاند. بر اساس همین ضرورت دینی، جمعه‌ها که بازار بسته بودند و شهرها خالی از سکنه به نظر می‌رسیدند، حمام‌ها برای استفاده عموم، باز بودند (گاسپار، ۱۳۶۵: ۱۲۳).

حمام‌های عمومی دوره قاجار عمدتاً در کنار مکان‌هایی مانند مساجد، بازارها و قهوه‌خانه‌های جزء فضاهای عمومی به شمار می‌رفتند، در چنین فضاهایی امکان مشارکت مردم با یکدیگر فراهم بود. حمام فرصتی برای دیدار با دوستان و خبرگیری از آن‌ها بود. یکی از بهانه‌هایی که زنان می‌توانستند برای خروج از خانه بیابند، حمام بود. آن‌ها در بسیاری از موارد به‌صورت دسته‌جمعی، برای رفتن به حمام قرار می‌گذاشتند. درواقع زنان آن عهد به بهانه‌هایی چون حمام، دیدوبازدید دوستان و آشنایان، شرکت در عروسی و تولد، زیارت امام‌زاده‌ها و... می‌توانستند از خانه خارج شوند (گویینو، ۱۳۸۳: ۱۲). از آنجاکه آداب استحمام زنان، ساعت‌ها و گاه تا نصف روز به درازا می‌کشید، آن‌ها فرصت کافی برای گفت‌وگو پیرامون مسائل مختلف و خبرگیری از یکدیگر در اختیار داشتند. به‌خصوص هنگام حنا بستن که به انتظار یک یا چندساعته برای رنگ گرفتن موها نیاز بود، فرصت مناسبی برای گپ زدن وجود داشت.

پولاک که تا سال ۱۲۷۶ ق/ ۱۸۶۰ م در ایران می‌زیست، راجع به حمام رفتن زن‌ها می‌نویسد: حمام برای بسیاری از زنان، مرکز تجمع است تا در آنجا به گفت‌وگو و اختلاط بپردازند و تازه‌ترین رویدادهای شهر را با یکدیگر در میان بگذارند. آن‌ها اغلب نصف روز را در آنجا سر بر می‌آورند و یا با سازوآواز وقت را می‌کشند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۴۷).

زنان حتی فراتر از گفت‌وگوهای متعارف، شرح اختلاف با همسرانشان را به حمام می‌بردند و در این زمان، حمام به‌صورت دادگاهی زنانه درمی‌آمد که ریاست آن، و وظیفه حل اختلاف، بر عهده گیس‌سفیدان بود. (گاسپار، ۱۳۶۵: ۶۵). بنابراین شست‌وشو و نظافت اگرچه از اهداف اصلی رفتن زنان به حمام بود اما همواره حواشی آن بر متن ارجحیت داشت. یک روز را در کنار دوستان و آشنایان بودن و به‌دوراز چشم مردان و با خیالی آسوده از هر دری سخن راندن، تبادل نظریات، تجربیات و اطلاعات، سر درآوردن از زندگی خصوصی این یا آن و پخش برخی از شایعات و مواردی از این‌دست، اموری نبود که زنان ایرانی عهد قاجار به‌راحتی از کنار آن درگذرند.

به جزء چنین مواردی، حمام‌ها برای بازرگانان، مکانی برای آشنایی با هم‌صنف‌ها و خبرگیری‌شان از یکدیگر و مذاکره درباره معاملاتشان بود (گاسپار، ۱۳۶۵: ۶۵). خبرگیری افراد در حمام‌ها، البته تنها محدود به مسائل روزمره نمی‌شد و گاهی مطالب مهم و حتی سرنوشت‌ساز کشور نیز در میان مردم به بحث

گذاشته می‌شد. چنان‌که به گفته یکی از ناظران خارجی، هنگام جنگ‌های ایران و روسیه چند روزی در میان بازار و حمام‌های عمومی، صحبت از جهاد علیه روس‌ها در میان بود (گویینو، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

بنابراین حمام‌ها، با توجه به تلاقی بخش زیادی از مردم، از صنف‌ها و قشرهای مختلف در طول روز، همواره، در کانون خبرهای دیگری چون مسجد، بازار و آسیاب، محل اطلاع‌رسانی و ردوبدل کردن آخرین اخبار و شایعات بوده است. افراد اخبار و اطلاعات دسته اول را در حمام دریافت می‌کردند و در بیرون از حمام، در اختیار مردمی قرار می‌دادند که از اتفاقات و مسائل روز بی‌خبر بودند، یعنی در حقیقت بایستی معترف بود که حمام‌ها در گذشته، نقش رسانه‌های عمومی امروزی، من جمله روزنامه، رادیو و تلویزیون را ایفاء می‌کردند و آخرین اخبار بدین وسیله نشر می‌یافت (صابری نهر فروزانی، ۱۳۹۸: ۳۸؛ شعبانی و جبار، ۱۳۹۳: ۹۳-۹۲).

به این ترتیب حمام‌ها فرصتی برای کسب آگاهی از اخبار روز و همین‌طور اطلاع‌رسانی بود، به عبارتی هم امکان خبرگیری و هم امکان خبرپراکنی در حمام وجود داشت، به دلیل همین بعد اجتماعی استحمام بود که عده‌ای از سوی نظمیه یا مقامات سیاسی، به‌طور ناشناس و محرمانه، در حمام‌ها و دیگر فضای عمومی استراق سمع می‌کردند و شنیده‌های خود را تحت عناوینی مثل گفت‌وگو در حمام، به بالادستی‌های خود گزارش می‌دادند (راوندی، ۱۳۸۲: ۷۰۵). این مسئله حاکی از آن بود که حکومت در آن زمان، به‌خوبی به اهمیت حمام عمومی به‌عنوان فضائی برای بحث آزاد و نقد حاکمیت پی برده بود. به همین دلیل بسته به ماهیت خود، تلاش نمود در این عرصه نیز حضوری فعال به‌منظور کنترل بر افکار مردم داشته باشد.

استحمام‌کنندگان نیز وسایل لازم را برای یک دورهم‌نشینی پس از استحمام را با خود به همراه می‌بردند. در رسوم حمام به موارد مختلفی چون قلیان کشیدن، نوشیدن چای، قهوه و شربت، گوش دادن به ساز و آواز و حتی در برخی موارد صرف نهار و میوه و شیرینی و گاه عبادت کردن اشاره شده است. روشن است که در چنین شرایطی، رفتن به حمام برای ایرانیانی که به تعبیری «عاشق گفت‌وگو و گپ زدن» بودند، جذاب و لذت‌بخش بود و حمام یک پاتوق همیشگی شمرده می‌شد (ملایی توانی و غلامپور، ۱۳۹۳: ۱۳۸). به این ترتیب حمام در کنش اجتماعی، برای مرد و زن ایرانی آن روزگار - که در کم‌تر فضای عمومی مثل حمام‌ها می‌توانستند آزادانه و با آرامش خاطر به معاشرت با یکدیگر بپردازند - فرصت مناسبی برای دورهم‌نشینی، احوال‌پرسی و خبرگیری از یکدیگر فراهم می‌آورد و نقش یک

پاتوق را در جامعه عهد قاجار ایفا می‌کرد. در واقع در غیاب وسائل ارتباط جمعی جدید، حمام‌ها با کارکردی شبیه به این وسائل، هم امکان ارتباط‌گیری افراد را فراهم می‌کردند و هم فضائی برای خبرپراکنی به شمار می‌آمدند (ملایی توانی و غلامپور، ۱۳۹۳: ۱۳۹). از این‌روی حمام در این دوره در کنار نهادهایی چون مساجد، بازارها از مراکز مهم گفت‌وگو، بحث و مجادله و خبرگیری و خبرپراکنی بوده است. این کارکرد حمام در کنار کارکرد اصلی آن (استحمام و پاکیزگی) سبب شد تا حمام به‌مثابه یک حوزه عمومی درآید که در آن بسیاری از مسائل حساس و اساسی کشور مورد بحث و تبادل‌نظر قرار گیرد. به همین دلیل حمام در کنار نهادهای فوق‌الذکر از حوزه‌های مهم سستی این دوره بوده است.

### نتیجه‌گیری

حوزه عمومی به گفته هابرماس در سه معنی «قابل دسترس برای همه» و «پذیرش عمومی» و یا «شهرت عام» به کار می‌رود. حمام‌های عمومی در ایران عهد قاجار، هرچند از نظر تاریخی، فرهنگی، معیشتی شماییلی منحصر و کاملاً وابسته به فضای جامعه ایرانی داشتند اما، خصایص فوق به نحو قابل توجهی در مورد آن صدق می‌کند. به‌گونه‌ای که این مکان عمومی از مراکز مهم خبررسانی و خبرگیری، ارتباطات گروهی و پاسخگویی به کنجکاوی‌ها در این دوره بوده است. در بسیاری از اوقات پاکیزگی و شست‌وشو، بهانه بوده است، بلکه دلیل اصلی مراجعه به حمام عمومی، دیدارها و گفت‌وگوها، بحث‌ها و پرسش‌ها و پاسخ‌ها بوده است. بی‌دلیل نبوده است که برخی از رویدادهای سرنوشت‌ساز کشور در این دوره نظیر قتل فضل‌بن‌سهل و امیرکبیر و برپائی محافل سیاسی چه به‌صورت آشکار و عمدتاً به‌صورت مخفی در این مکان صورت پذیرفته است. با وجود این اهمیت، به دلیل سرعت چشمگیر تحولات سبک زندگی در دوران معاصر، چندان به چشم نمی‌آیند و یا فراموش شده‌اند. بنابراین بررسی این فضا به‌مثابه یک حوزه عمومی که بسیاری از اوقات و فراغت مردم نظیر آداب عرفی و شرعی استحمام، و سنت‌ها (حنابندان، حمام عروسی...)، فعالیت‌های جنبی (سلمانی، حجامت، فال‌گیری و طلسم‌شکنی)، قطب‌بندی‌های جنسی و عقیدتی (حمام زنانه/مردانه، حمام مخصوص اقلیت‌های دینی) در آن صورت پذیرفته است، می‌تواند از جنبه حوزه عمومی سستی که در تقسیم‌بندی‌های مرتبط، به آن اشاره شده است، صور ناپیدای بسیاری از امور سیاسی و اجتماعی و نحوه شکل‌گیری و گسترش حوزه عمومی در ایران را آشکار سازد.

## فهرست منابع

- استراوس، آنسلم و کربین، جولیت (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- بارتولد، آرنولد (۱۳۷۳). تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه دادور، تهران: توس.
- باصولی، مهدی (۱۳۹۷). نگاه منظرین به حمام عمومی، عناصر و کارکردهای آن، منظر، ۱۰ (۴۵)، ۳۴-۴۳.
- بی‌نام (۱۲۹۸). روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۶ صفر، ش ۸۳، ۲.
- پولاک، ادوارد یاکوب (۱۳۶۸). سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- تاج‌الدینی، حمید (۱۳۸۰). موزه مردم‌شناسی حمام گنجعلی‌خان، موزه‌ها، ۶.
- دانشور، محمود (۱۳۲۶). دیدنی‌ها و شنیدنی‌های ایران، ج ۲، بی‌جا: بی‌نا.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، ج ۴، تهران: نگاه.
- رجائی، عبدالمهدی (۱۳۹۳). بهداشت حمام‌های عمومی در دوره معاصر و نقش شهرداری‌ها، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ۳ (۱)، ۴۷-۷۱.
- سجادی، محمدعلی (۱۳۸۲). حمام و استحمام در فرهنگ ایرانی، مطالعات ایرانی، ۲ (۴)، ۷۵-۹۸.
- سلیمانی، نجمه و آقاجانی، حسین (۱۳۹۲). بررسی مردم‌شناختی کارکردهای اجتماعی حمام در شهر کرمان، پژوهشگران فرهنگ، ۱۲ (۳۳)، ۱۵۷-۱۷۹.
- شاردن، شوالیه (۱۳۷۴). سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه اقبال یغمائی، ج ۴، تهران: توس.
- شعبانی، امامعلی و جبار، سعیده (۱۳۹۳). حمام و کارکردهای اجتماعی آن در سده‌های میانه تاریخ ایران، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ۳ (۱)، ۸۹-۱۰۹.
- شهری، جعفر (۱۳۷۰). طهران قدیم، تهران: معین.
- صابری نهرفرزانی، احمد (۱۳۹۸). آیین حمام - تحقق منظر آیینی حمام ایرانی در دوران اسلامی از خلال متون، ساختار حمام و نقوش تزئینی (نمونه موردی: نقوش و مظاهر آیینی: حمام گنجعلی‌خان کرمان)، هنر و تمدن شرق، ۷ (۲۵)، ۳۵-۴۲.
- علی‌پور، نسیم و ولی‌زاده، نیما (۱۳۸۴). حمام‌های خصوصی و خانگی، مجموعه مقالات همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- قاسمی، مرزیه؛ حاتم، غلامعلی و تهرانی، فرهاد (۱۳۹۷). باز شناسی جایگاه تاریخ و فرهنگ عامه در حمام‌های سنتی ایران (پیوستگی آداب، عادات و عقاید مرتبط با استحمام)، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱۲ (۲۲)، ۱۳۳-۱۵۵.
- کوهن، جین (۱۳۸۳). حوزه عمومی، رسانه‌ها و جامعه مدنی، ترجمه لیدا کاووسی، رسانه، ۱۵ (۳)، ۴۵-۶۸.

- گاسپار، دروویل (۱۳۶۵). سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شب‌اوین.
- گوینو، ژوزف آرتور (۱۳۸۳). سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.
- مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۸۴)؛ روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: مطالعات راهبردی.
- مجلسی، ملامحمدباقر (۱۳۷۳). حلیه المتقین، تهران: چاپخانه اسلامی.
- ملایی‌توانی، علیرضا و میثم غلامپور (۱۳۹۳). حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه (از آغاز تا مشروطه)، مطالعات تاریخ فرهنگی، ۶(۲۱)، ۱۲۱-۱۴۲.
- مناظر احسن، محمد (۱۳۸۰). زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- الویری، محسن و نظری‌مقدم، جواد (۱۳۹۱). نقش ارتباطات سنتی در جنبش‌های سیاسی اجتماعی شیعه (مطالعه موردی جنبش مشروطه ایران)، تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۲(۱)، ۱-۲۳.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۹). بازخوانی هابرماس، تهران: چشمه.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۱). بحران مشروعیت، تئوری دولت سرمایه‌داری مدرن، ترجمه جهانگیر معینی علمداری، تهران: گام نو.
- Arvigo, Rosita & Nadine Epstein, (2003): *Spiritual Bathing: Halting Rituals and Tradition from Around the World*, Berkeley Calif: Celestial Art.
- Calhoun, c; j. Gerteis, j. moody, s. pfaff, i. Virk (2007): *Contemporary Sociological Theory*, Oxford: Blackwell.
- Habermas, j. (1974): "the Public Sphere: an Encyclopedi Article (1964)", *New German Critique*, Translated by Sara Lennox and Frank Len, No. 3, pp. 49-55.
- Floor, W. (1988) "Bathhouses", *Encyclopedia of Iranica*, Vol. 111, London and New York: Routledge and Kegan Paul: <http://www.iranicaonline.org/articles/bathhouses>.